

امکان و امتناع شکل‌گیری روابط راهبردی میان ایران و روسیه

دکتر شعیب بهمن*

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره 4، پیاپی 68، زمستان 1395؛ صفحات 141-115

تاریخ پذیرش نهایی: 1395/11/30

تاریخ دریافت: 1395/10/26

چکیده

ایران و روسیه از دیرباز به دلیل مجاورت، علایق سنتی، تاریخی و راهبردی، همواره روابط خاصی را نسبت به یکدیگر دنبال کرده‌اند و روابط آنان همواره از فراز و نشیب‌های زیادی برخوردار بوده است؛ به نحوی که گاهی دو کشور آن‌چنان به یکدیگر نزدیک شده‌اند که صحبت از همکاری راهبردی آنها به میان آمده و گاهی نیز چنان از هم فاصله گرفته‌اند که به مرزهای تیرگی در روابط رسیده‌اند. در این بین روند تحولات خاورمیانه به‌ویژه بحران سوریه باعث به وجود آمدن تهدیدهای مشترک و منافع هم‌سو میان روسیه و ایران شد. بر این اساس، بررسی روند موجود در روابط دو کشور و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که تهران و مسکو به دلایل متعدد قادر به عمق‌بخشی به روابط خود و حتی راهبردی‌شدن آن هستند. نوشتار حاضر درصدد بررسی امکان و امتناع شکل‌گیری روابط راهبردی میان ایران و روسیه است.

واژگان کلیدی

ایران، روسیه، بحران سوریه، روابط راهبردی، اتحاد و ائتلاف.



مقدمه

ایران و روسیه از دیرباز به دلیل مجاورت، علایق سستی، تاریخی و راهبردی همواره روابط خاصی را نسبت به یکدیگر دنبال کرده‌اند و روابط آنان همواره از فراز و نشیب‌های زیادی برخوردار بوده است؛ به نحوی که گاهی دو کشور چنان به یکدیگر نزدیک شده‌اند که صحبت از همکاری راهبردی آنها به میان آمده و گاهی نیز چنان از هم فاصله گرفته‌اند که به مرزهای تیرگی در روابط رسیده‌اند. این در حالی است که دگرگونی نظام‌های سیاسی، موقعیت ژئوپلیتیک و منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌المللی، دو دولت ایران و روسیه را در وضعیت ویژه‌ای برای تعامل قرار داده و دوره‌ای از مناسبات را برای دو کشور در سال‌های پس از فروپاشی شوروی فراهم آورده است؛ به نحوی که دو کشور، دغدغه‌های مشترکی چون کنترل بحران‌های موجود، ثبات منطقه‌ای، سد نفوذ قدرت‌های بزرگ و ... دارند. همین امر باعث شده فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران، ملاحظات و منافع مشترک بسیاری داشته باشند.

در این میان، روند تحولات خاورمیانه به‌ویژه بحران سوریه باعث به وجود آمدن تهدیدهای مشترک و منافع هم‌سو میان روسیه و ایران شد. در این دوره، جایگاه ایران به دلیل مواضع منطقی و اصولی در خاورمیانه و مسائلی مانند مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بیش از پیش مورد توجه روسیه قرار گرفت. این امر موجب شد روسیه با محاسبه سود و زیان، پیشنهاد ایران را برای حضور مستقیم نظامی در سوریه بپذیرد. پس از آن، دیدار پوتین از تهران و تأکید بر این نکته که «روسیه به دوستان خود از پشت خنجر نمی‌زند»، حکایت از آغاز روند جدیدی در سیاست خارجی روسیه داشت که در آن، ایران از جایگاه بهتری نسبت به گذشته برخوردار شده بود.

بر این اساس، بررسی روند موجود در روابط دو کشور و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که تهران و مسکو به دلایل متعدد قادر به عمق‌بخشی به



روابط خود و حتی راهبردی‌شدن آن هستند. نمونه عالی چنین امری، همکاری‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه و بحران سوریه است که به ایجاد ائتلاف چهارگانه با حضور ایران، روسیه، عراق و سوریه با همراهی حزب‌الله لبنان منجر شد که امری بی‌سابقه در روابط دو کشور به شمار می‌آید. پس از شکل‌گیری این ائتلاف و همکاری‌های تهران و مسکو در سوریه، این بحث بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت که آیا همکاری‌های عالی نظامی و امنیتی دو کشور در سوریه می‌تواند زمینه‌ساز روابط راهبردی میان ایران و روسیه شود یا خیر.

بر این اساس، نوشتار حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که «عوامل مؤثر در امکان و امتناع ایجاد یک رابطه راهبردی میان ایران و روسیه چیست؟» به منظور پاسخ‌گویی به سؤال فوق، نخست به بررسی مفهوم اتحاد و ائتلاف پرداخته خواهد شد و سپس دیدگاه‌ها و روندها در روابط ایران و روسیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین عوامل مؤثر بر نزدیکی ایران و روسیه و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری روابط راهبردی میان طرفین نیز بررسی می‌شود و در پایان به واکاوی امکان و امتناع روابط راهبردی میان ایران و روسیه پرداخته می‌شود.

راهبرد اتحاد و ائتلاف

دولت‌ها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلتیکی و نیز تحت‌تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌الملل، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را برای تأمین هدف‌ها و منافع ملی خویش برمی‌گزینند. بنابراین نباید انتظار داشت ساختار سیاست خارجی و جهت‌گیری دولت‌های مختلف همواره بدون تغییر باقی بماند. از میان مهم‌ترین استراتژی‌هایی که دولت‌ها اتخاذ می‌کنند می‌توان به راهبردهای بی‌طرفی، انزوطلبی، اتحاد و ائتلاف و عدم تعهد اشاره کرد.

بنابراین هنگامی که بحث از رابطه کشورها به میان می‌آید، عناوین مختلفی چون تخاصم، رقابت، همکاری، ائتلاف، اتحاد و ... مطرح می‌شود؛ به نحوی که روابط کشورهای مختلف با یکدیگر در یکی از طیف‌های فوق تقسیم‌بندی می‌شود یا صحبت از گذار از یک نوع رابطه به رابطه‌ای دیگر پیش می‌آید. به عنوان مثال، ممکن است رابطه میان دو کشور از همکاری به ائتلاف ارتقا پیدا کند یا از رقابت به حالت دشمنی و تخاصم تنزل یابد. در این بین عموماً هنگامی از اتحاد میان کشورها بحث می‌شود که رابطه دو یا چند کشور در حوزه‌های مختلف به سطوح عالی ارتقا یافته باشد. در چنین حالتی، کشورهای حاضر در اتحاد، نه تنها با یکدیگر وارد تخاصم و درگیری نمی‌شوند، بلکه درباره حوزه‌های رقابت و تعریف منابع خود نیز به تفاهم می‌رسند.

راهبرد اتحاد و ائتلاف به معنای پذیرش اصل تعهد نسبت به سایر کشورها در سیاست خارجی یک کشور است و این تعهد می‌تواند دارای یک یا چند بُعد باشد. برای نمونه اتحاد میان دو یا چند کشور می‌تواند دارای ابعاد نظامی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد. بر اساس این راهبرد، تحقق اهداف و منافع ملی کشور در گرو ادغام توانمندی‌های خود با توانایی‌های یک یا چند کشور دیگر است. آنچه باعث شکل‌گیری راهبرد اتحاد می‌شود، هدف‌ها، منافع، تهدیدها و مخاطرات مشترک میان کشورها است.

استراتژی اتحاد و ائتلاف به معنای پذیرش اصل تعهد نسبت به سایر کشورها در سیاست خارجی یک کشور است که این تعهد می‌تواند دارای ابعاد نظامی و امنیتی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی باشد. براساس این استراتژی، تحقق اهداف و منافع ملی کشور در گرو ادغام توانایی‌های کشور با توانایی‌های برخی از کشورهاست و در این صورت، سیاست تشکیل اتحادیه یا بلوک می‌تواند ضامن و پشتوانه اجرایی مناسبی برای پیشبرد برنامه‌های سیاست خارجی دولت باشد. هدف‌ها و منافع مشترک یا تهدید و خطر مشترک، زمینه‌ساز عمده اتخاذ این



استراتژی است. بازار مشترک اروپا نمونه‌ای از این دست است. قاره اروپا، به‌ویژه اروپای باختری در پی افزایش روند توسعه و همکاری قاره‌ای و کسب مجدد اعتبار بین‌المللی به ایجاد اتحادیه اقتصادی دست زد؛ در حالی که پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، به جهت تهدید مشترک دولت‌های غربی از جانب دولت کمونیستی اتحاد شوروی (سابق) بنیاد گذارده شد. این نوع جهت‌گیری در سیاست خارجی جایگاه ویژه‌ای در دنیای امروز دارد، مجموعه عوامل نیازهای داخلی، میزان برخورداری از قدرت، شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیک، میزان تهدیدات و فشارهای بین‌المللی و همچنین ساختار و نظام بین‌المللی، دولت‌ها را به انتخاب این سیاست سوق می‌دهد و وابستگی متقابل که فرایند رو به رشد دنیای معاصر در همه ابعاد است، دولت‌ها را وادار می‌کند تا با اتحاد و ائتلاف با سایر دولت‌ها به مقاصد خویش جامه عمل بپوشانند (جمالی، 1385، 280-281).

اصطلاح «ائتلاف»¹ به معنی اتحاد موقت گروه‌ها و نیروهای سیاسی است که هدف‌های معینی را دنبال می‌کنند. میان ائتلاف و اتحاد، تفاوت وجود دارد؛ زیرا معمولاً ائتلاف در مقایسه با اتحاد، موقتی‌تر، محدودتر و غیررسمی‌تر است. ائتلاف در حوزه سیاسی معمولاً کاربردهای مختلفی در سیاست داخلی² و سیاست خارجی دارد. در حوزه خارجی و سطح بین‌المللی ائتلاف در مورد دولت‌های ملی به منظور اقدام به عمل مشترک به کار گرفته می‌شود. با توجه به این‌که منظور از ائتلاف در سطح بین‌المللی، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است، ائتلاف‌های بین‌المللی زمانی شکل می‌گیرند که چند کشور بیشتر همفکر برای تحقق اهداف مورد نظر با هم به همکاری بپردازند. کشورهای عضو ائتلاف ممکن است برای همکاری با هم

1. coalition

2. ائتلاف در سطح داخلی معمولاً به شکل ائتلاف احزاب سیاسی برای مقاصد پارلمانی و انتخاباتی به کار می‌رود. بر این اساس، ممکن است یک گروه یا حزب بزرگ‌تر به منظور دستیابی به اکثریت با چند گروه کوچک‌تر ائتلاف کند. همچنین ممکن است چند گروه کوچک با هم ائتلاف کنند تا گروهی بزرگ‌تر را از کسب توان سیاسی بازدارند.

یک موافقت‌نامه رسمی امضا کنند یا بدون وجود هرگونه توافق مکتوب در پی تحقق اهداف مورد نظر برآیند. ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اشکال مختلفی چون دوجانبه و چندجانبه، سری و علنی، ساده یا دارای سازمان پیچیده و کوتاه مدت یا درازمدت هستند.

دیدگاه‌ها و روندها در روابط ایران و روسیه

در فضای عمومی ایران، دو دیدگاه کلی نسبت به جایگاه روسیه در سیاست خارجی کشور وجود دارد؛ به نحوی که برخی گمان می‌کنند روسیه از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است و تهران و مسکو درباره اکثر مسائل به تشریک مساعی با یکدیگر می‌پردازند. در مقابل، برخی دیگر ایران و روسیه را چنان دور از هم تصور می‌کنند که هر گونه همکاری میان دو کشور را نفی می‌کند.

واقعیت آن است که در طول سال‌های گذشته، روسیه خواسته و ناخواسته از جایگاه نسبتاً خوبی در سیاست خارجی ایران برخوردار بوده است. بخشی از این جایگاه به وضعیت ایران در نظام بین‌الملل به‌ویژه اعمال تحریم‌های بین‌المللی مرتبط می‌شود و بخشی دیگر به دلیل مواضع نسبتاً یکسان در مورد مسائل مهم جهانی است. در عین حال به نظر می‌رسد در برخی موارد، ایران نسبت به حوزه‌های نفوذ روسیه به‌خصوص در آسیای مرکزی و قفقاز با احتیاط رفتار کرده است. این احتیاط مبتنی بر به رسمیت شناختن جایگاه و ظرفیت بازیگری روسیه در کشورهای استقلال‌یافته از شوروی سابق بوده است.

از سوی دیگر، ایران در بسیاری از مسائل خواهان همکاری نزدیک با روسیه بوده است. به عنوان مثال، در حوزه فن‌آوری هسته‌ای، روسیه مهم‌ترین شریک ایران به شمار می‌آید. در حوزه معاملات تسلیحاتی نیز روسیه جایگاه مهمی در ایران دارد. مسئله مهم دیگری که جایگاه روسیه را در سیاست خارجی ایران بیان می‌کند، همکاری دو کشور در مسائل منطقه‌ای به‌ویژه بحران سوریه است که



روسیه به درخواست ایران و با در نظر گرفتن منافع و تهدیدهای خود به حضور مستقیم نظامی در این بحران پرداخت.

مباحث فوق نشان می‌دهد که روسیه از جایگاه مهمی در سیاست خارجی ایران برخوردار است و مقامات سیاسی بلندپایه ایران چون مقام معظم رهبری بارها بر راهبردی کردن روابط تهران و مسکو تأکید کرده‌اند. البته به‌رغم وجود تمایل فوق، همچنان سطح مبادلات اقتصادی ایران و روسیه بسیار پایین است و این مسئله، پیوندهای اقتصادی دو کشور را با چالش‌هایی مواجه کرده است.

در عین حال، در ایران عموماً دیدگاهی منفی نسبت به جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه وجود دارد؛ به نحوی که افکار عمومی، روسیه را کشوری تلقی می‌کند که برای ایران ارزش چندان زیادی قائل نیست و هرگاه بتواند به معامله‌ای با غرب دست می‌زند و ایران را در بزنگاه‌های تاریخی، تنها رها می‌کند. این در حالی است که در روسیه، جایگاه ایران در سیاست خارجی این کشور تا حد زیادی مبهم است؛ به‌خصوص که بررسی اسناد مرتبط با سیاست خارجی، امنیت ملی و حوزه‌های نظامی و دفاعی روسیه نشان می‌دهد که هیچ‌گاه ایران از جایگاه برجسته‌ای در سیاست خارجی مسکو برخوردار نبوده است. در چنین شرایطی، «آیا می‌توان به این اسناد استناد کرد یا نمونه‌هایی از همکاری روسیه با ایران وجود دارد؟»

واقعیت این است که روسیه برای سال‌های متمادی به ایران به چشم یک بازار نسبتاً خوب برای فروش تسلیحات خود می‌نگریست. نکته قابل تأمل این بود که ایران به واسطه روابط نامطلوبی که با غرب داشت، نمی‌توانست نیازهای تسلیحاتی خود را پس از جنگ از کشورهای غربی تأمین کند. از این رو، روسیه می‌توانست گزینه مهمی برای ایران باشد. از سوی دیگر، در شرایطی که هیچ‌یک از کشورهای غربی حاضر به اتمام پروژه‌های نیمه‌کاره هسته‌ای ایران نبودند، روسیه در این امر پیشگام شد.



با این حال، همکاری‌های ایران و روسیه چه در حوزه معاملات تسلیحاتی و چه در حوزه فن‌آوری هسته‌ای مطابق با برنامه پیش نرفت. بدعهدی‌های طرف روس، عدم تأمین مالی پروژه‌ها توسط ایران و کارشکنی‌های غرب به‌ویژه آمریکا باعث شد نقاط اتکای همکاری تهران و مسکو به کانون چالش در مناسبات دو کشور مبدل شود؛ تا جایی که به تعویق افتادن چندباره تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر و عدم تحویل به‌موقع سامانه دفاع موشکی اس 300 باعث بروز نارضایتی‌هایی در ایران شد. این امر همراه با رأی‌های مثبت روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه‌های هسته‌ای علیه ایران، موجب قوت‌گیری این دیدگاه شد که تهران از جایگاه مهمی در سیاست خارجی کرملین برخوردار نیست. در این بین، بازگشت پوتین به کرملین در سال 2012 آغازگر دوره جدیدی در روابط روسیه و ایران بود که طی یک دهه گذشته پیش از آن به‌خصوص در دوران ریاست جمهوری «دیمیتری مدودیف» تا حدی با واگرایی مواجه شده بود. در 7 ژوئن 2012 (دو ماه پس از پیروزی پوتین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه) ولادیمیر پوتین با همتای ایرانی خود «محمود احمدی‌نژاد» دیدار کرد. طی این دیدار، رئیس‌جمهور روسیه به صراحت تأکید کرد که مسکو تمایل دارد روابط خود با تهران را در حوزه مسائل مختلف چون طیف گسترده‌ای از چالش‌های منطقه‌ای نظیر رژیم حقوقی دریای خزر، بی‌ثباتی در سوریه، عراق و افغانستان، جرایم فرامرزی و روندهای سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز گسترش دهد. بر این اساس، رؤسای جمهور دو کشور مذاکراتی را درباره ارتقای سطح مناسبات تجاری، همکاری در حوزه‌های هسته‌ای و بخش‌های نفت و گاز و معاملات تسلیحاتی انجام دادند. اگرچه در حالت عادی، توسعه روابط طرفین ظرف یک مدت کوتاه نامحتمل به نظر می‌رسید؛ اما پس از تشدید بحران سوریه، فعالیت‌ها و اقدامات تهران و مسکو با یکدیگر هماهنگ شد، به نحوی که در سپتامبر 2014، «سرگئی لا وروف»، وزیر امور خارجه روسیه، ایران را «متحد



طبیعی» مسکو در مبارزه با گروه‌های افراطی مذهبی در خاورمیانه نامید.

واقعیت این است که در شرایط فعلی، ایران به چند دلیل برای روسیه دارای

اهمیت است:

1. عامل مجاورت جغرافیایی به صورت سنتی نقش مهمی را در روابط روسیه و ایران ایفا کرده است.

2. موقعیت ژئواستراتژیک ایران به این کشور امکان گسترش نفوذ خود را در منطقه خزر، قفقاز، آسیای مرکزی و خاورمیانه می‌دهد.

3. دیدگاه ایران درباره هر یک از مسائل منطقه‌ای به‌خصوص اشتراک‌نظر تهران با مسکو می‌تواند نقش مؤثری در بازیابی جایگاه سیاسی و قدرت روسیه در فضای پس از فروپاشی شوروی داشته باشد. این یک واقعیت است که مسکو ناگزیر به مذاکره با ایران درباره مسائلی مانند مناقشه قره‌باغ، وضعیت عراق و افغانستان، ثبات تاجیکستان، فعالیت‌های ناتو در قفقاز جنوبی به‌خصوص همکاری با آذربایجان و گرجستان، حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در خاورمیانه و آسیای مرکزی، احداث خط لوله ترانس کاسپین و بی‌ثباتی در قفقاز است.

4. روسیه به ایران به چشم یکی از آخرین کشورهای می‌نگرد که می‌تواند در فضای پس از بهار عربی همچنان موقعیت ایفای نقش مؤثر را در خاورمیانه حفظ کند.

علاوه بر موارد فوق باید در نظر داشت که افزایش تنش میان روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا پس از بحران اوکراین در سال 2014 تأثیر قابل توجهی در تغییر سیاست خارجی کرملین و نزدیکی آن به ایران داشت. همچنین باید به این نکته توجه داشت که ایران و روسیه به‌شدت در سوریه درگیر هستند و معتقدند دولت «بشار اسد» در این کشور باید حفظ شود (Kozhanov, 2016, 3).

عوامل مؤثر در گسترش همکاری راهبردی میان ایران و روسیه

بحث اتحاد راهبردی میان دو کشور ایران و روسیه از گذشته مطرح بوده است.

اگرچه این ایده تا کنون عملی نشده، اما به نظر می‌رسد هر دو کشور به دلیل وجود هدف‌ها، منافع، تهدیدها و مخاطرات مشترک تمایل به توسعه روابط خود تا سطح راهبردی و ایجاد اتحاد دارند. البته ایده راهبردی شدن و ایجاد اتحاد میان ایران و روسیه، تنها یکی از ایده‌های مطرح در روابط دو کشور است؛ زیرا همزمان ایران و روسیه به دلیل عدم مدیریت صحیح روابط خود می‌توانند به سمت سایر انواع روابط از جمله رقابت و یا حتی تخاصم نیز پیش بروند. در این بین، مؤلفه‌ها و عوامل خاصی وجود دارد که موجب نزدیکی ایران و روسیه در مسائل منطقه‌ای به یکدیگر شده‌اند. از جمله این عوامل که از نقش مهمی در روابط ایران و روسیه برخوردار هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. منافع مشترک در مناطق پیرامونی: ایران و روسیه در محیط جغرافیایی خود با مناطق پیرامونی مختلفی هم‌جوار هستند و در هر یک از آنها، منافع نسبتاً مشترکی دارند که از جمله این مناطق می‌توان به خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره اشاره کرد. در همه این مناطق، ایران و روسیه خواهان حفظ صلح، ثبات و عدم مداخله بازیگران خارجی در امور داخلی کشورهای منطقه هستند. علاوه بر این، ایران و روسیه نسبت به حضور نظامی غرب به‌ویژه آمریکا و ناتو در سطح این مناطق ناراضی هستند. بر این اساس می‌توان به چند مؤلفه در منافع مشترک ایران و روسیه در مناطق پیرامونی خود اشاره کرد:

1. حفظ ثبات و کارآمدی دولت‌های قانونی حاکم؛
2. مخالفت با دخالت سیاسی و نظامی بازیگران فرامنطقه‌ای؛
3. مخالفت با گسترش تسلط یا حضور نظامی آمریکا و ناتو.

نمونه‌های واضح این سیاست را می‌توان در منطقه خاورمیانه در برابر بحران سوریه مشاهده کرد. در این بحران، هر دو کشور ایران و روسیه از دولت قانونی بشار اسد حمایت می‌کنند و هر گونه تغییر و تحول سیاسی در این کشور را منوط به خواست مردم نه مداخله خارجی می‌دانند. این امر در افغانستان نیز



صادق است؛ کما این‌که تهران و مسکو ضمن مخالفت با تجاوز آمریکا و متحدانش به این کشور، خواهان برقراری ثبات توسط نیروهای داخلی هستند. در فضای آسیای مرکزی و قفقاز نیز ایران و روسیه موضع مشترکی در برابر تحرکات غرب برای بی‌ثبات‌سازی کشورهای منطقه از طریق برپایی انقلاب‌های رنگی اتخاذ کردند.¹ همچنین هر دو کشور خواهان عدم حضور نظامی آمریکا در کشورهای این مناطق هستند. بنابراین جلوگیری از نفوذ آمریکا در مناطق پیرامونی، یکی از اهداف مشترک ایران و روسیه محسوب می‌شود.

مسائل فوق‌نشان می‌دهد که ایران و روسیه درباره مهم‌ترین مسائل مناطق پیرامونی خود دارای اشتراک نظر هستند. به همین دلیل نیز مشارکت ایران و روسیه در استقرار و حفظ صلح و تحکیم ثبات و امنیت در منطقه به‌ویژه همکاری دو کشور در مقابله با حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و متحدان آنها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. البته ممکن است هر یک از این کشورها تمایل به افزایش نفوذ در مناطق پیرامونی داشته باشند که این مسئله، امری طبیعی به شمار می‌آید. در واقع اشتراک نظر تهران و مسکو درباره کلیات مسائل مناطق پیرامونی می‌تواند اختلاف‌نظرهای جزئی آنها را نیز رفع کند. این امر مستلزم ایجاد یک سازکار منطقی بر پایه گفت‌وگو و مذاکره جامع درباره همه مسائل مناطق پیرامونی است.

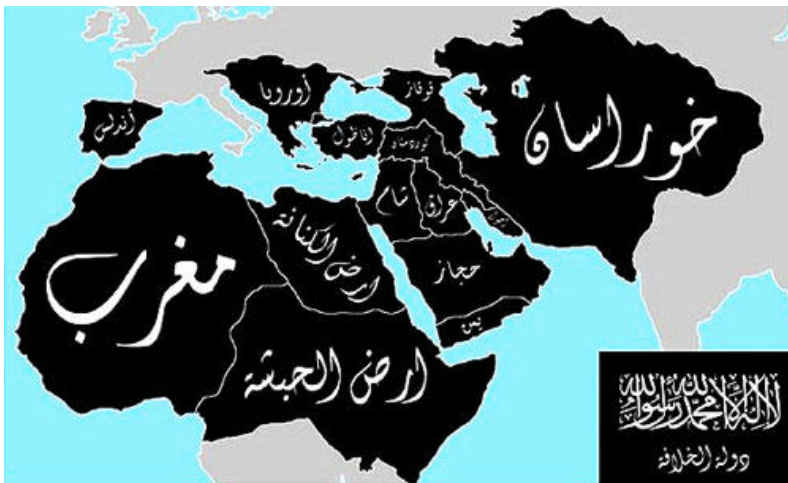
2. وجود تهدیدهای امنیتی مشترک: وجود تهدید مشترک همواره یکی از عواملی محسوب می‌شود که کشورهای مختلف را به سوی همکاری با یکدیگر سوق

1. «یگور ایوانوف»، وزیر امور خارجه و دبیر شورای امنیت سابق روسیه در کتاب خود با عنوان «دیپلماسی جدید روسیه» در خصوص مناسبات کشور خود با ایران در آسیای مرکزی و قفقاز معتقد است: «ایران یکی از شرکای مهم روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز است. نفوذ و اقتدار تهران به صورت گسترده‌ای در جهان اسلام پذیرفته شده و ایران و روسیه دیدگاه مشترکی برای حل بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی دارند. گسترش موفقیت آمیز همکاری‌ها به سیاست‌های منطقه‌ای کمک می‌کند. یک نمونه از همکاری‌های منطقه‌ای، حل و فصل بحران تاجیکستان است که مسکو و تهران مشارکت جدی برای حصول توافق بین طرفین متخاصم داخلی در این کشور داشتند. علاوه بر این، همکاری سیاسی مؤثر دو کشور به وسیله فرصت‌های جدید برای همکاری‌های سودمند تجاری و اقتصادی پشتیبانی می‌شود که پروژه‌های صنعتی حمل و نقل و انرژی از آن جمله هستند» (Ivanov, 2002. 126).

داده است. این امر در مورد روابط ایران و روسیه نیز صادق است؛ زیرا وجود تهدیدهای مشترک امنیتی چون افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم، یکی از عوامل گسترش همکاری میان تهران و مسکو به شمار می‌آید.¹ بر این اساس می‌توان وجود گروه‌های تروریستی و جریان‌های افراطی در سطح مناطق پیرامونی ایران و روسیه را یکی از عوامل مهم نزدیکی دو کشور به شمار آورد؛ زیرا دو کشور در یک برهه زمانی متوجه شدند بدون همکاری با یکدیگر امکان فائق آمدن بر تهدیدهای امنیتی کاهش می‌یابد.

نباید از یاد برد که بیشتر گروه‌های افراطی و تروریستی، هدف نهایی خود را تسلط بر ایران و بخش‌هایی از روسیه که مسلمانان در آن حضور دارند، عنوان می‌کنند. نقشه‌های متعددی که داعش، جبهه‌النصره و سایر گروه‌های تروریستی منتشر کرده‌اند از تمایل به لشکرکشی به ایران و روسیه حکایت دارند. هدف این گروه‌های تروریستی، برپایی امارت اسلامی قفقاز در روسیه است.

نقشه خلافت اسلامی داعش



1. برای مثال در 16 فوریه 2016، «سرگئی شویگو»، وزیر دفاع روسیه در دیدار خود از ایران با اشاره به بحران فزاینده در خاورمیانه اعلام کرد: «کشورهای ما در منطقه خاورمیانه با چالش‌ها و تهدیدهای مشابهی رو به رو هستند و فقط با کمک هم می‌توانیم با این تهدیدها مقابله کنیم. روسیه و ایران آماده هماهنگ کردن رویکرد خود درباره بسیاری از مسائل جهانی و منطقه‌ای هستند»

(ТАСС информационное агентство, 2016).

از این منظر می‌توان گروه‌های افراطی و تروریستی و همچنین حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آنها را عامل مهمی در روابط تهران و مسکو محسوب کرد. نکته قابل توجه آن است که عامل تهدید مشترک، ایران و روسیه را برای نخستین بار در طول تاریخ به سوی روابط نظامی گسترده و حتی تشکیل ائتلاف نظامی چهارجانبه با حضور سوریه و عراق سوق داد؛ به نحوی که اتاق عملیات بغداد با محوریت ایران، روسیه، سوریه، عراق و حزب‌الله لبنان تشکیل شد و نقش مؤثری در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در سطح منطقه ایفا کرد. از مهم‌ترین دستاوردهای این همکاری نظامی در سوریه می‌توان به وارد کردن شکست به جبهه معارضان و تروریست‌ها، به چالش کشیدن سیاست‌های برخی از بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه و عربستان، ترغیب غرب به انجام مذاکره سیاسی و تقویت موضع جبهه مقاومت و دولت و ارتش سوریه اشاره کرد.

با این اوصاف، همان‌گونه که وجود تهدیدهای مشترک موجب آغاز همکاری‌های نزدیک ایران و روسیه شد، در آینده نیز این عامل می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شراکت راهبردی میان دو کشور ایفا کند. البته صرف وجود تهدید مشترک نمی‌تواند پایه مناسبی برای دوام و بقای یک رابطه راهبردی باشد. به همین دلیل، ایران و روسیه باید از وجود تهدید مشترک، پیش‌زمینه‌ای برای ارتقای همکاری‌ها و مناسبات خود ایجاد و ابعاد اقتصادی و فرهنگی را نیز وارد روابط دوجانبه خود کنند.

موانع گسترش روابط راهبردی ایران و روسیه

روابط ایران و روسیه واجد مؤلفه‌های پویایی برای گسترش همکاری است؛ اما چند عامل مهم موجب ایجاد محدودیت‌هایی در این رابطه شده که از مهم‌ترین عوامل در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. ایجاد یک اتحاد استراتژیک جامع با تهران همخوانی چندانی با منافع مسکو

ندارد؛ زیرا چنین اتحادی می‌تواند به روابط روسیه با کشورهای خاورمیانه به‌ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس آسیب وارد کند، به‌خصوص که امکان دارد ایران در آینده روابط خود را با این کشورها بهبود بخشد و آن‌گاه روسیه در منطقه منزوی شود. «نیکلای کوزانف» در این باره معتقد است:

«اگر مسکو در تقابل ایران - شورای همکاری خلیج فارس، جانب ایران را بگیرد ممکن است در آخر، متحمل شدیدترین ضربه از این جهت‌گیری شود. این موضوع را می‌توان با لحاظ کردن این واقعیت تبیین کرد که تنش‌های کنونی ایران و شورای همکاری خلیج فارس نه جدید است نه منحصر به فرد. به طور سنتی، روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس از الگویی سینوسی پیروی می‌کند، با دوره‌هایی از تقابل که جای خود را به تلاش‌هایی برای یافتن زمینه‌های مشترک و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داده است.

در برخی شرایط، همکاری‌های اقتصادی و انرژی ایران با این کشورها به ضرر منافع روسیه بوده است؛ برای مثال در سال 2008، دولت محمود احمدی‌نژاد به قراردادهای پیشین ایران با مسکو پشت کرد و از پیشنهاد دوحه برای تبدیل شدن به «دبیرخانه مرکزی مجمع کشورهای صادرکننده گاز»¹ حمایت کرد. این در حالی بود که پیش‌تر به انتخاب شدن سن‌پترزبورگ به‌عنوان محل دبیرخانه اوپک‌گازی رأی داده بود. این کار به منظور امتیازدهی به دولت قطر در راستای بهبود روابط با آن کشور صورت گرفت. تهران رهیافتی عمل‌گرایانه در روابطش با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس اتخاذ کرده و به‌رغم طغیان‌های غضبناکی که هر از گاهی برخی دولت‌های عربی نشان می‌دهند، آنها را متوجه این امر می‌سازد که تهران همواره آماده گفت‌وگو و مذاکرات سیاسی است.

با وجود چنین شرایطی، اگر تهران اهمیت زدودن کینه‌ها و آشتی با رقبایش را دریابد، ممکن است مسکو خود را در مقابل شیوخ خلیج فارس تنها بیابد. رهبران

1. The Gas Exporting Countries Forum (GECF)

روسیه نشان داده‌اند که از احتمال وقوع چنین سناریویی کاملاً آگاه هستند. بنابراین مسکو بهتر می‌بیند که دیالوگ در حال پیشرفتش با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در هر زمانی حفظ کند» (کوژائف، 1395، 97-99).

علاوه بر مسئله فوق، مسکو تمایلی ندارد در قالب یک جبهه شیعی به رهبری ایران وارد تقابل با ائتلاف سنی به رهبری شورای همکاری خلیج فارس شود؛ به خصوص که چنین امری می‌تواند تأثیر مستقیمی بر مسلمانان روسیه داشته باشد که بیشتر آنها سنی‌مذهب هستند و تحت تأثیر افکار مذهبی رایج در کشورهای چو عربستان سعودی قرار دارند. در اکتبر 2015، پس از آنکه روسیه به صورت مستقیم وارد نبرد نظامی در سوریه شد، نامه سرگشاده‌ای از حدود 50 مفتی سعودی دریافت کرد که در آن، گروه‌های تروریست به انجام عملیات علیه روسیه فرا خوانده شده بودند. از سوی دیگر، ایجاد یک اتحاد استراتژیک جامع برای ایران نیز در شرایطی که قصد دارد روابط خود را با غرب گسترش دهد و فن‌آوری و سرمایه‌گذاری کشورهای اروپایی را جذب کند، ممکن است چندان جذاب نباشد.

2. روابط روسیه با رژیم صهیونیستی دارای ابعاد مختلفی است که بخشی از آن به رابطه مسکو با ایران مرتبط می‌شود. اگر زمانی روس‌ها تصمیم به حضور مستقیم نظامی در سوریه گرفتند، از یک سو با اسرائیلی‌ها درباره خطوط مرزی هوایی و نحوه اطلاع‌رسانی با یکدیگر توافق کردند و از سوی دیگر به تل‌آویو اطمینان دادند که تسلیحات و تجهیزات روس به هیچ‌وجه علیه اسرائیل به کار گرفته نخواهد شد. واقعیت این است که حدود یک‌پنجم از ساکنان سرزمین‌های اشغالی را روس‌تبارها تشکیل می‌دهند که در ساختار سیاسی اسرائیل نیز در سطوح عالی چون وزیر و نماینده پارلمان حضور دارند. علاوه بر این، وجود لابی نسبتاً قدرتمند یهودیان در روسیه نیز مزید بر علت شده که کرملین همواره در معادلات خاورمیانه به گونه‌ای عمل کند که موجب نارضایتی عمده اسرائیل



نشود. در چنین شرایطی، همکاری روسیه با ایرانی که فلسفه وجودی و هدف نهایی آن مبارزه با رژیم صهیونیستی است، با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. بر این اساس، تضمین کرملین به مقامات اسرائیلی مبنی بر این‌که حضور نظامی روسیه خود در سوریه به هیچ‌وجه علیه تل‌آویو نخواهد بود، با منافع ایران که خواهان مبارزه برای نابودی اسرائیل است، در تضاد قرار دارد. همچنین این مسئله می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده در روابط روسیه و حزب‌الله نیز عمل کند که کاملاً با ایران هماهنگ است.

3. معادلات انرژی می‌تواند در آینده روابط ایران و روسیه تأثیرگذار باشد؛ زیرا ایران و روسیه منابع غنی انرژی دارند و هر دو کشور نیازمند صدور نفت و گاز خود جهت کسب درآمد هستند. از این‌رو توسعه و گسترش بازارهای فروش، یکی از سیاست‌های انرژی هر دو کشور محسوب می‌شود. در این خصوص، آنچه می‌تواند به یک رقابت و چالش میان ایران و روسیه مبدل شود، بحث صدور انرژی به اروپاست؛ زیرا روسیه که صادرکننده انرژی به کشورهای اروپایی محسوب می‌شود، تمایل دارد همچنان به عنوان مهم‌ترین صادرکننده گاز به اروپا شناخته شود تا در مواقع مقتضی از اهرم و سلاح گاز در برابر اروپایی‌ها استفاده کند. در این راستا، سیاست انرژی روسیه شامل سه بخش اساسی می‌شود:

1. حفظ و توسعه انحصار صدور گاز به اروپا؛
2. متنوع‌سازی خطوط انتقال انرژی به اروپا؛
3. ممانعت از شکل‌گیری انتقال انرژی به اروپا از سوی سایر کشورها (بهمن، 1390، 16-18).

از سوی دیگر، ایران نیز در توسعه صادرات انرژی خود تمایل زیادی به صدور گاز به کشورهای اروپایی دارد. اگرچه هنوز ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های لازم در ایران و همچنین خطوط لوله برای انتقال گاز به اروپا وجود ندارد، اما وجود چنین سیاستی می‌تواند ایران و روسیه را در رقابتی رو در روی یکدیگر قرار دهد.



به هر روی به‌رغم آنکه ایران و روسیه می‌توانند در تعیین قیمت‌ها و تأثیرگذاری بر بازارهای جهانی انرژی با یکدیگر به همکاری و همگرایی بپردازند، ظرفیت رقابت میان دو کشور در خصوص صدور انرژی به اروپا وجود دارد و اگر این مسئله به درستی مدیریت نشود، می‌تواند بر همکاری‌های دو کشور در سایر بخش‌ها نیز تأثیرگذار باشد. برای مثال در حال حاضر ایران و روسیه به همکاری در سوریه با یکدیگر نیاز دارند، زیرا ایران در یک طرح بلندمدت قصد اجرایی کردن خط لوله پارس را دارد که می‌تواند گاز این کشور را از طریق عراق و سوریه به مدیترانه و از آنجا به اروپا صادر کند. چنین امری برای روسیه که تلاش می‌کند همچنان به‌عنوان مهم‌ترین صادرکننده گاز به اروپا شناخته شود، چندان خوشایند نیست.

4. به‌رغم آنکه در بسیاری از موارد، ایران و روسیه دارای دیدگاه نزدیکی هستند، این امر الزاماً به معنای همسان بودن منافع و اهداف آنها نیست. به عنوان مثال، دو کشور درباره بسیاری از مسائل دریای خزر از جمله عدم حضور نیروهای نظامی فرامنطقه‌ای اشتراک نظر دارند؛ اما درباره تعیین رژیم حقوقی دارای اختلافات اساسی هستند. این مسئله در مورد آینده سوریه نیز وجود دارد؛ به نحوی که با وجود تمام اشتراک‌نظرها و همکاری‌هایی که دو کشور در بحران سوریه با یکدیگر دارند، روسیه برخلاف ایران به دوران پس از بشار اسد نیز می‌اندیشد.

5. «مهدی صفری»، سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در روسیه در پاسخ به این سؤال که چرا به‌رغم همه تأکیدات، اعلامیه‌ها و رفت و آمدهای مسئولان اقتصادی دو طرف، روابط اقتصادی ایران و روسیه گسترش نمی‌یابد، به چند عامل اساسی زیر اشاره می‌کند:

«ابتدا باید بگوییم که روس‌ها شناخت‌شان نسبت به بازار ما کم است و با زبان ما هم آشنا نیستند. ما نیز شناخت کمی نسبت به روس‌ها داریم ... از جانب ما هم رغبت برای تجارت چندان نبوده، رغبت ما نیز کم بوده است؛ چون ما با بازار

روسیه آشنا نیستیم و کار تجاری با روس‌ها شکل نگرفته است» (صفری، 1394). نکته قابل توجه این است که عوامل فوق طی سال‌های گذشته، ثابت و بدون تغییر مانده است. برای مثال «مهدی سنایی»، سفیر جمهوری اسلامی ایران در سال 1395 نیز نظرات کاملاً مشابهی با همتای پیشین خود دارد و بزرگ‌ترین ضعف در روابط دو کشور را عدم شناخت آنها از یکدیگر می‌داند (Посол Ирана, 2016). این مسئله نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته، گام‌های جدی برای تغییر شرایط حاکم بر روابط ایران و روسیه برداشته نشده است.

مقایسه جایگاه ایران با سایر کشورها در میزان واردات روسیه (میلیارد دلار)

2015	2014	2013	2012	2011		
182781965	282602367	314945095	316192918	306091490	مجموع	
35199264	50373720	531730896	51767694	48038378	چین	1
18991576	32623590	37904569	38289660	37436682	آلمان	2
11489698	18274536	16717711	15505298	12881410	آمریکا	3
7988799	11641073	13595262	12991857	14508643	بلاروس	4
7933556	12618194	14563302	13433189	13296465	ایتالیا	5
6818557	10841642	13560500	15676090	15012611	ژاپن	6
5642801	10662082	15790890	17955443	20000466	اوکراین	7
5563160	10574354	13021468	13806116	9825079	فرانسه	8
4532320	8921593	10305436	10976879	11575682	کره جنوبی	9
42750113	7050064	5664931	9409256	6912746	قزاقستان	10
4271843	148134	93375	138902	0	سایر کشورهای اروپایی	11
4068852	6571925	7272773	6840000	6352530	ترکیه	12
3839509	7006594	9321277	7467131	6644349	لهستان	13
3700078	7687941	8106431	8191608	7162775	بریتانیا	14
2928294	3968954	3492845	3358765	4377978	برزیل	15
261386	348933	432921	428460	351439	ایران	64

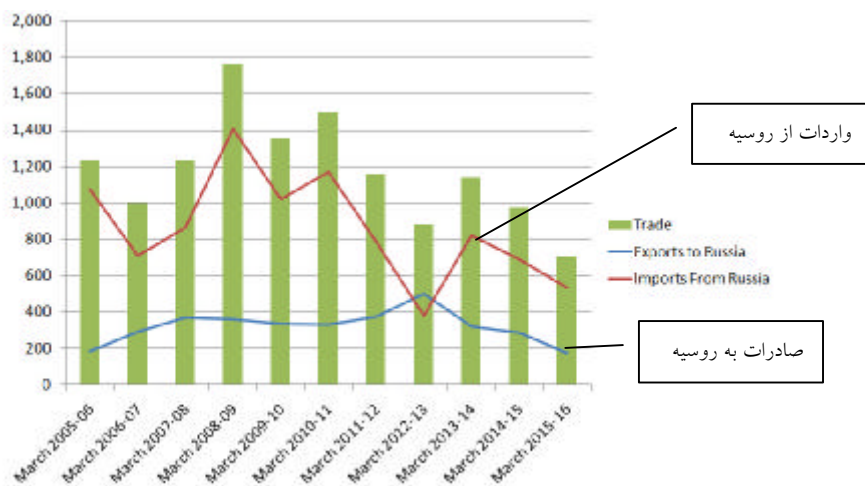
(Russian imports, 2016)

مقایسه جایگاه ایران با سایر کشورها در میزان صادرات روسیه (میلیارد دلار)

2015	2014	2013	2012	2011		
343907652	492144880	527265919	524777821	516992618	مجموع	
53096940	66984336	67282795	62436754	72567733	سایر مناطق	1
40198496	67758633	69259511	76036014	61240029	هلند	2
28334955	37236810	35625420	35766830	34692362	چین	3
16204335	35684169	29164844	28018170	27902346	ایتالیا	4
15906242	36815710	22962139	24039166	22766472	آلمان	5
14426352	19742765	19667508	15588027	14234690	ژاپن	6
13196117	17678837	14867070	13865479	13329721	کره جنوبی	7
12428310	19252156	16870228	21380405	24930203	بلاروس	8
11703271	24794486	15122092	16103173	15086788	ترکیه	9
10301606	13716995	17218175	14892490	14234690	قزاقستان	10
9513336	15906134	19408184	19753359	21194164	لهستان	11
8393105	10467890	11177056	13022324	15626335	آمریکا	12
7163122	17050291	15215255	14815774	18064358	اوکراین	13
6699113	12749242	9836416	8242025	6811113	لتونی	14
6487007	11319625	12014042	10606117	11700752	فنلاند	15
1017214	1322247	1168616	1900387	3277140	ایران	43

(Russian exports, 2016)

روابط تجاری ایران و روسیه در سال‌های 2005 الی 2016



آمارها و روندهای فوق نشان می‌دهد که در حوزه اقتصادی، همچنان روابط ایران و روسیه به شدت ضعیف و محدود است و دو کشور نمی‌توانند بدون برخورداری از یک رابطه اقتصادی گسترده، برای مدت طولانی به همکاری‌های خود در حوزه‌های نظامی و امنیتی ادامه دهند. در واقع آنچه باعث تداوم همکاری‌های موجود میان ایران و روسیه می‌شود، منافع اقتصادی دوجانبه است. با این حال، فقدان زیربنای مناسب برای توسعه روابط اقتصادی و سطح پایین مراودات تجاری به‌عنوان عاملی منفی و محدودکننده در روابط ایران و روسیه عمل کرده است.

امکان و امتناع روابط راهبردی میان ایران و روسیه

روابط ایران و روسیه در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، تقریباً همواره در حالت‌های تنخاصم، رقابت و همکاری تعریف شده و هیچ‌گاه دو کشور به سمت ایجاد ائتلاف یا اتحاد حرکت نکرده‌اند. البته همکاری‌های سال‌های اخیر تا حدی شرایط پیشین حاکم بر روابط ایران و روسیه را تغییر داده است؛ به نحوی که هر دو کشور اقداماتی را برای راهبردی کردن روابط خود انجام داده‌اند. درباره راهبردی شدن روابط ایران و روسیه، توجه به چند مؤلفه اساسی ضروری است:

1. بسیاری در ایران و روسیه اعتقاد دارند که سابقه منفی تاریخی بر روابط دو کشور سایه انداخته است. در نتیجه، ایران و روسیه به دلیل ذهنیت منفی نمی‌توانند دست به ایجاد یک رابطه راهبردی بزنند؛ در حالی که تاریخ روابط بین‌الملل، بیانگر شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های مختلف میان کشورهایی است که در گذشته با یکدیگر جنگیده‌اند و دشمن هم به شمار می‌آمده‌اند. نمونه واضح چنین امری، اتحاد فعلی میان آلمان و فرانسه است که در جریان جنگ جهانی دشمن یکدیگر به شمار می‌آمدند و حتی خاک فرانسه برای مدت‌ها تحت اشغال آلمان‌ها بود. این مثال نشان می‌دهد گذشته منفی تاریخی به‌رغم آنکه از



ذهن ملت‌ها پاک نمی‌شود، نمی‌تواند تا ابد دو کشور را از یکدیگر دور نگه دارد؛ زیرا نگاه به گذشته، موجب از دست رفتن فرصت‌های آینده می‌شود. از این رو ایران و روسیه نیز می‌توانند ذهنیت منفی تاریخی خود را کنار بگذارند و به سوی روابط راهبردی حرکت کنند.

2. بسیاری در ایران و روسیه انتظار دارند که به سرعت روابط دو کشور در تمام زمینه‌ها ارتقا پیدا کند و اختلاف‌نظرها کنار گذاشته شود. در واقع این عده گمان می‌کنند که لازمه یک روابط راهبردی، اشتراک نظر و اجرای سیاست‌های مشترک در مورد تمام مسائل و در یک مدت زمان اندک است؛ در حالی که رابطه استراتژیک میان هیچ کشوری مانند ایران و روسیه، یک شبه به وجود نمی‌آید. رابطه استراتژیک، یک پروژه نیست که با تصمیمات و اقدامات فوری رهبران سیاسی کشورها به وجود آید. رابطه راهبردی یک پروسه است که در گذر زمان و به تدریج شکل می‌گیرد و به توسعه مناسبات و همکاری‌های دو یا چندجانبه منتهی می‌شود. بنابراین نباید انتظار داشت که ایران و روسیه در مدت زمان اندکی به موضع و اقدام مشترک در خصوص مسائل مختلف دست یابند. همچنین باید توجه داشت که اختلاف نظر دو کشور درباره مسائل مختلف نباید به دل‌سرد شدن یا تغییر نگرش طرف مقابل منتهی شود؛ زیرا هر کشور، سیاست‌ها و اقدامات را بر مبنای منافع ملی خود تعریف می‌کند. البته در این تعریف، سهم معینی را نیز برای شریک راهبردی خود در نظر می‌گیرد. بنابراین تا زمانی که روابط تهران و مسکو در همه زمینه‌ها به خصوص در حوزه اقتصادی توسعه نیابد، نمی‌توان انتظار اتخاذ مواضع مشترک در خصوص تمام مسائل منطقه‌ای و جهانی را داشت.

3. در ایران و روسیه این اعتقاد وجود دارد که جهت‌گیری متفاوت دو کشور درباره برخی از مسائل جهانی با برخی از کشورها و بازیگران، مانع ایجاد اتحاد راهبردی میان ایران و روسیه می‌شود. برای نمونه، در فضای سیاسی و اجتماعی ایران از وجود رابطه میان روسیه با آمریکا، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی

به‌عنوان عوامل بازدارنده در روابط تهران و مسکو یاد می‌شود؛ در حالی که وجود رابطه راهبردی میان دو کشور به معنای تبعیت کامل از یکدیگر نیست. این تلقی که روسیه نیز باید مانند ایران، سطح روابط خود با عربستان را کاهش دهد، آمریکا را به‌عنوان دشمن خود بشناسد و موجودیت رژیم صهیونیستی را نفی کند، نادرست است؛ زیرا روسیه مانند هر کشور دیگری می‌تواند روابط خود را با سایر کشورها و بازیگران حفظ کند و هیچ دلیلی برای قطع یا کاهش سطح روابط مسکو با دیگران وجود ندارد. کما اینکه روس‌ها نیز نباید از ایران انتظار داشته باشند که سطح روابط خود را با اوکراین یا گرجستان که مسکو درگیر تنش با آنهاست، کاهش دهد.

بنابراین در یک رابطه راهبردی میان ایران و روسیه یا هر کشور دیگری، هر یک از طرفین مختار هستند روابط خارجی را بر اساس منافع ملی خود تنظیم کنند. البته به نحوی که منافع راهبردی آن کشور متحد، نقض نشود؛ زیرا در این صورت، اساساً اتحاد راهبردی معنا پیدا نمی‌کند. در نتیجه لازم است در برقراری رابطه راهبردی میان ایران و روسیه به مسائل فوق توجه کافی صورت گیرد.

4. میان ایران و روسیه مانند تمام کشورهای دیگر، اختلاف‌نظر و اختلاف منافع در حوزه‌های مختلف وجود دارد و این مسئله باعث شده برخی اعتقاد پیدا کنند که وجود اختلاف‌نظر میان دو کشور باعث بروز تنش‌هایی خواهد شد و تهران و مسکو نمی‌توانند از رقابت در خصوص منافع خود چشم‌پوشی نمایند؛ در حالی که میان تمام کشورهایی که متحد راهبردی یکدیگر به شمار می‌آیند، اختلاف‌نظر و حتی اختلاف منافع وجود دارد. با این حال کشورهای متحد ضمن همکاری و مشارکت در حوزه‌های مشترک، به گفت‌وگو و مذاکره در حوزه‌های دارای اختلاف می‌پردازند.

تفاوت اساسی رابطه راهبردی با انواع روابط، به شیوه و کنش متقابل بازیگران در حوزه‌های مورد اختلاف مرتبط می‌شود؛ زیرا ممکن است دو کشور که در



حال رقابت یا تخاصم با یکدیگر هستند، به صورت غیردیپلماتیک به حل و فصل اختلاف خود روی آورند یا حتی اختلاف آنها سرانجام به جنگ منتهی شود؛ اما اختلاف میان دو کشور که دارای رابطه راهبردی با یکدیگر هستند، از طریق گفت‌وگو، مذاکره و رعایت حریم طرف مقابل، قابل حل و فصل خواهد بود (بهمن، 1396، 178-180).

ایران و روسیه ضمن پیشبرد همکاری‌های تنگاتنگ خود در حوزه‌هایی که منافع مشترک دارند، می‌توانند درباره اختلاف نظر و اختلاف منافع نیز با یکدیگر وارد مذاکره شوند و راه‌حلی برای منافع متضاد خود بیابند. بر این اساس، وجود اختلاف نظر یا منافع متفاوت و حتی متضاد در خصوص مسائل مختلف نمی‌تواند عامل اساسی برای جلوگیری از همکاری‌های ایران و روسیه و توسعه سیاست آنها به سطح راهبردی باشد. آنچه باعث تقویت چنین رویکردی می‌شود، از یک سو دغدغه‌های مشترک دو کشور در خصوص مسائل منطقه‌ای و جهانی و از سوی دیگر، زمینه‌های مختلف همکاری است که تهران و مسکو می‌توانند با تأکید بر آنها، روابط خود را گسترش دهند.

در حال حاضر، ایران و روسیه دغدغه‌های مشترکی چون کنترل بحران‌های موجود در خاورمیانه، حفظ ثبات منطقه‌ای، سد نفوذ قدرت‌های بزرگ و ... دارند. همین امر باعث شده که فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران، ملاحظات و منافع مشترک بسیاری داشته باشند. به همین دلیل توسعه روابط ایران و روسیه باید به هدف سیاسی بلندمدت تهران و مسکو مبدل شود و دو طرف در پی ارتقای روابط چند لایه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی برآیند. آنچه چنین امری را نزد مقامات بلندپایه سیاسی هر دو کشور تقویت می‌کند، چند مفروض اساسی است:

1. اگرچه ایران و روسیه دارای تاریخ، فرهنگ و مذهب متفاوت هستند، میان آنها اختلافات اصولی و ارزشی - آن گونه که میان ایران و امریکا یا روسیه و



1. امریکا وجود دارد - کمتر یافت می شود.
2. به رغم آنکه در طول تاریخ، نبردهای زیادی میان ایران و روسیه صورت گرفته و دو طرف بارها به دلایل ارضی و مرزی رو در روی یکدیگر قرار گرفته اند، اکنون ایران و روسیه فاقد هرگونه اختلافات ارضی و مرزی هستند و اختلافات تاریخی نباید روابط فعلی طرفین را خدشه دار کند.
3. ماهیت سیاست خارجی ایران و روسیه متفاوت است؛ اما هر دو کشور در قبال بسیاری از مسائل منطقه ای و جهانی، مواضع یکسان و هم سویی دارند و عموماً مواضع رسمی آنها به یکدیگر شباهت زیادی دارد.
4. اگرچه روابط سیاسی دو کشور در قالب اتحاد استراتژیک تعریف نمی شود، هیچ تنش جدی میان ایران و روسیه وجود ندارد و نمی توان این روابط را خصمانه تلقی کرد.
5. به رغم وجود منافع متضاد و غیر هم سو میان دو کشور، منافع مشترک و همسان زیادی در سطوح منطقه ای و جهانی بین ایران و روسیه وجود دارد و تهران و مسکو می توانند از روابط خود برای تأمین منافع منطقه ای و بین المللی بهره مند شوند.
6. به رغم آنکه هر دو کشور ایران و روسیه دارای منابع غنی نفت و گاز هستند و در نگاه اول، رقبایی جدی برای صدور انرژی خود به مناطق مختلف به ویژه اروپا محسوب می شوند، در کنار هم قرار گرفتن آنها و اتخاذ موضوع واحد در حوزه انرژی می تواند تأثیر زیادی بر بازارهای جهانی بگذارد.
7. به رغم آنکه ایران و روسیه به ارائه طرح های مختلفی برای امنیت منطقه می پردازند، هر دو کشور بر برقراری سازکار امنیت منطقه ای بدون حضور بازیگران فرامنطقه ای تأکید می ورزند و این امر می تواند فصل مشترک همکاری های منطقه ای آنها باشد.
8. اگر چه ایران و روسیه در برابر توسعه طلبی های غرب و مسائلی نظیر

گسترش ناتو به شرق، به انحای مختلف واکنش نشان می‌دهند، واقعیت آن است که هر دو کشور از این وضعیت ناراضی هستند و با آن به مقابله می‌پردازند.

9. به‌رغم آنکه میزان ضد هژمون‌گرایی ایران و روسیه در برابر هژمون‌گرایی آمریکا متفاوت است، هر دو کشور از نظم حاکم بر نظام بین‌الملل ناراضی هستند و برای برقراری نظمی عادلانه و چندقطبی تلاش می‌کنند (بنهن، 1396، 183-184).

ویژگی‌های فوق، بیانگر گستره وسیع و تقریباً هماهنگ و هم‌سوی مناسبات و روابط ایران و روسیه است؛ به نحوی که ویژگی‌های فوق به همراه ظرفیت‌های موجود، می‌تواند روابط دو کشور را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی تا سطح راهبردی ارتقا دهد.

نتیجه‌گیری

مجموع مسائل فوق بیانگر آن است که اگر چه در حال حاضر روابط ایران و روسیه راهبردی نیست، اما هر دو کشور از مؤلفه‌ها، انگیزه‌ها و اهداف مطلوبی برای راهبردی کردن روابط خود برخوردار هستند. از این‌رو اگر اهتمام جدی رهبران عالی دو کشور در سطوح اجرایی مورد توجه قرار گیرد، می‌توان به راهبردی شدن روابط ایران و روسیه خوش‌بین بود.

علاوه بر این، ایران و روسیه می‌توانند دامنه روابط راهبردی خود را به سطوح منطقه‌ای و حتی جهانی ارتقا دهند. در این رابطه، بحث عضویت ایران در برخی سازوکارهای منطقه‌ای مانند سازمان شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند به توسعه همکاری‌های منطقه‌ای تهران و مسکو منجر گردد. همچنین ایران و روسیه می‌توانند مبدع شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای جدید باشند. به عنوان مثال، شکل‌گیری یک سازمان یا نهاد با حضور ایران، روسیه، چین و هند موجب گسترش همکاری‌های سودمند برای هر چهار کشور می‌شود. اگرچه در این باره هند و چین دارای ملاحظاتی هستند، اما امکان همگرا کردن آنها وجود دارد.

به این ترتیب، رابطه ایران و روسیه نه تنها در ابعاد دوجانبه برای طرفین سودمند خواهد بود، بلکه با تأثیرگذاری بر روندها و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند موجب بروز همکاری‌های نوینی در سطوح جهانی شود. نباید از یاد برد این همکاری در حوزه‌های مختلف می‌تواند وضعیت کنونی آمریکا را در نظام بین‌المللی به چالش بکشد. برای نمونه، حذف دلار از مبادلات بازرگانی ایران و روسیه به معنای کاهش نفوذ اقتصادی آمریکا در سطح نظام بین‌المللی است؛ به خصوص که این امر می‌تواند به الگویی برای سایر کشورها نیز مبدل شود تا آنها هم به حذف دلار در تجارت خارجی خود دست بزنند.

با توجه به آنچه ذکر شد، ایران و روسیه می‌توانند همکاری و ائتلاف صورت گرفته در خصوص تحولات خاورمیانه و بحران سوریه را که جنبه نظامی، اطلاعاتی و امنیتی دارد، به سایر حوزه‌ها تسری دهند. چنین امری موجب عمق‌بخشی و نهادینه شدن روابط دو کشور می‌شود. البته در عین حال باید توجه داشت که اگر ایران و روسیه موفق نشوند سطوح راهبردی همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی خود را به سایر حوزه‌ها به‌ویژه حوزه اقتصادی تسری دهند، آن‌گاه نه تنها احتمال راهبردی شدن روابط طرفین کاهش می‌یابد، بلکه عملاً نمی‌توان به آینده و تداوم همکاری‌های نظامی و امنیتی امیدوار بود. بر این اساس، روابط ایران و روسیه باید در قالب یک پروسه و روند کلان ریل‌گذاری شود و در آن، میان پروژه‌ها و همکاری‌های نظامی و امنیتی و پروژه‌ها و همکاری‌های اقتصادی، ارتباط وثیقی برقرار شود. همچنین ضروری است تلاش‌های گسترده‌ای برای رفع موانع تاریخی و دیدگاه‌های منفی مردم و نخبگان دو کشور صورت گیرد. این امر مستلزم به‌کارگیری دیپلماسی عمومی قوی در کنار دیپلماسی اقتصادی، سیاسی و نظامی از سوی هر دو کشور است.



منابع و مأخذ

- بهمن، شعیب (1390)، گاز پروم و رؤیای تسخیر بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 75، پاییز.
- _____ (1396)، توافق سلیمانی - پوتین؛ امکان‌سنجی روابط راهبردی میان ایران و روسیه، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- جمالی، حسین (1385)، تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، قم: زمزم هدایت.
- صفری، مهدی (1394)، سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در روسیه در گفت‌وگو با ایراس: واقعیت‌های روابط ایران و روسیه، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، 22 اسفند.
- کوژانف، نیکلای (1395)، دیدگاه‌های ایرانی و روسی نسبت به وضعیت خاورمیانه؛ ما آینده را چگونه می‌بینیم؟ در: همکاری‌های ایران و روسیه؛ ابعاد و چشم‌انداز، تهران: مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
- Iran-Russia Economic Commission to Convene, (2016), Financial Tribune Daily and Contributors, 05 December.
- Ivanov. Igor, (2002), The New Russian Diplomacy, Washinton D.C: Brooking,
- Kozhanov. Nikolay, (2016), Russian–Iranian Dialogue After 2012: Turning a New Page?, Russian Analytical Digest No. 192, 10 November
- Russian imports, (2016), International Trade Center,
- Russian exports, (2016), International Trade Center,
- ТАСС информационное агентство, (2016), Президент Ирана Хасан Роухани принял министра обороны РФ Сергея Шойгу, 21 февраля
- Посол Ирана, (2016), с Россией у нас есть общая угроза – терроризм, Радиостанция «Вести ФМ», 01 Декабря,

